

سایه ای در عکاسی ایران

عکاسی در نخستین سالهای اختراع آن به ایران آمد و خیلی زود در بین ایرانیان گسترش یافت. توجه خاص ناصرالدین شاه قاجار به عکاسی که از دوران ولیعهدی با این "صنعت" آشنا شده بود و حمایت وی از عکاسی که ناشی از دل بستگی وی به هنرهای تصویری بود را می توان مهمترین عامل ترویج عکاسی در ایران در سال های اولیه اختراع این پدیده دانست. با مرور بر اسنادی که درباره عکاسی در ایران و عکاسان اولیه از آن دوران برجا مانده است به ترتیب به نامهای ژول ریشار (Jules Richard) ، اگوست کرشیش (Agust Krziz) () ، لوییچی پشه (Luigi Pesce) و فوکه تی (Focetti) برمی خوریم که در نخستین سالهای اختراع عکاسی در ایران به عکاسی پرداخته اند. فرنگی هائی که هر کدام به انگیزه ای به ایران سفر کرده بودند و ضمن انجام ماموریت اصلی خود در ایران به عکاسی نیز پرداخته اند و از آنجا که این صنعت نوظهور توجه ایرانیان اهل قلم را نیز همانند سایرین به خود معطوف می داشت از هر که در ایران در هر سطح و با هر توان، به عکاسی پرداخته در منابع تاریخی آن دوره نامی به میان آمده است .

محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه) که بسیاری از اطلاعات تاریخی و فرهنگی دوره قاجار در زمینه های مختلف و از جمله عکاسی از نوشته های وی بدست می آید در

کتاب مرآت البلدان درباره پرداختن این اشخاص به عکاسی و علت اصلی حضور ایشان در ایران می نویسد :

” در اواخر عهد شاه میرور محمد شاه غازی ، البسه الله ثوب النور ، مسیو ریشارخان سرتیپ معلم که اکنون زبان انگلیسی و غیره مدرسه دارالفنون را معلم است با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس می انداخت و در اوایل سلطنت شاهنشاه روحنا فداه که بنای مدرسه دارالفنون شد ، مسیو کریشش^۱ نمساوی معلم توپخانه قدری روی کاغذ امتحانات عکاسی نمود. مسیو فکتی معلم طبیعی اول کسی است که در مدرسه طهران ، کلدیون استعمال نمود . “^۲

ناصرالدین شاه که شیفته عکاسی بود پس از رسیدن به سلطنت، به آموختن علم عکاسی^۳ و رواج علمی آن تمایل و توجه بسیار نشان داد. به همین سبب در طی سال های ۱۲۷۳ تا ۱۲۷۵ هجری قمری (۱۸۵۷ تا ۱۸۵۹ میلادی) از فرخ خان امین الدوله که در آن دوران برای مذاکرات مربوط به مسئله هرات به عنوان سفیر فوق العاده ایران در اروپا ماموریت داشت خواسته شد تا در ضمن این ماموریت به استخدام گروهی از کارشناسان زبده و لایق که در زمینه های مختلف فنی و آموزشی از مهارت و کارائی کافی برخوردار باشند و از جمله عکاس حرفه ای اقدام نماید. به دستور شاه که بر اساس مدارك موجود از عملکرد کارشناسان فرنگی که تا آن زمان در ایران

۱ - در نسخه چاپی مرآت البلدان املاء این نام به صورت کریشش آمده است اما در تاریخ عکاسی ایران ایشان را با نام آگوست کرشیش می شناسیم . املاي لاتین نام وي (krziz) است و تلفظ این نام به زبان آلمانی کرتسیتس است که در آن دوران تلفظ خاص ” Z “ آلمانی در قیاس با هنجار آوائی زبان روسی غالباً به صورت ” ش ” آوا نویسی می شد و به همین دلیل وجه مانوس کرشیش برای تلفظ این نام اختیار شد .

۲ - صنیع الدوله ، محمد حسن خان (اعتمادالسلطنه) : مرآت البلدان ، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی - میرهاشم محدث ، دانشگاه تهران ، ۱۳۶۷ ، ج ۳ . ص ۱۴۴۸ .

۳ - در منابع دوره قاجار از عکاسی با عناوین مختلف علم، صنعت و فن ذکر به میان آمده است که حوزه اطلاق این گونه اصطلاحات دقیق نیست. اعتماد السلطنه در مرآت البلدان از عکاسی با عنوان علم یاد می کند.

به کار پرداخته بودند ناخشنود بوده است به فرخ خان امین الدوله تذکر داده می شود که در انتخاب این افراد دقت لازم را به عمل بیاورد .

در همین رابطه در مجموعه اسناد و مدارك فرخ خان امین الدوله که به دانشگاه تهران واگذار شده درباره استخدام کارشناسان فرانسوی و نحوه اعزام آنها اسناد قابل توجهی وجود دارد و بنابر تجربه قبلی که دولت ایران از استخدام ماموران و مریبان خارجی فاقد صلاحیت و شایستگی لازم به دست آورده بود، نسبت به تخصص فنی و اعتبار علمی اشخاصی که می بایست این بار توسط فرخ خان امین الدوله برگزیده شوند تاکید خاص شده است. از آن جمله نامه ایست که در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۲۷۷ میرزا آقاخان نوری صدر اعظم وقت خطاب به فرخ خان امین الدوله نوشته است :

” . . . اصناف و صاحب منصب هائی که حسب الخواش اولیاء دولت علیه روانه دربار شوکتمدار همایون خواهید کرد از برای مزید تاکید به شما می نویسم که دقت زیاد کنید آنها مردمان بیکاره و بی مصرف و بی سروپا نباشند که در آنجا اسم و رسمی و قابلیت و معرفیتی نداشته باشند و بعد از آمدن به اینجا به کار خدمت دولت نیایند . باید آدم های زرنگ و هوشیار و قابل و ماهر و معروف امتیاز کرده به ایران بفرستید که از وجود ایشان کار دولتی صورت بگیرد و با مصرف و با کاره بوده باشند به خصوص باید اعتبارنامه و تصدیق نامه از مدرسه در دست داشته باشند . البته در این باب دقت کامل به عمل آورید . از جای دیگر نمی خواهیم از همان فرانسه باشد و بس “ ۴

۴ - اسناد و مدارك فرخ خان امین الدوله ، به کوشش کریم اصفهانیان ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۷ ، قسمت دوم ، ص ۱۷۸ .

در اجرای این ماموریت فرخ خان امین الدوله فرانسویس کارلیان^۵ (Francis Carlhian) را برای رواج علم عکاسی - آموزش عکاسی - در ایران استخدام می کند. متن سند بالا و تاکید صدراعظم نشان می دهد که کارلیان در دوران خود از تخصص و مهارت لازم در زمینه عکاسی برخوردار بوده است .

متأسفانه در اسناد فرخ خان امین الدوله از جزئیات و جریان استخدام کارشناسان و ورود کارلیان به ایران در هیچ کجا سخنی به میان آورده نشده ، شاید وی از آن رو به ذکر جزئیات نپرداخته که از اهمیت حضور کارلیان در ایران به عنوان معلم عکاسی مطلع نبوده و آن را اقدام مهمی به شمار نمی آورده است. حتی میرزا حسین سرابی^۶ که شرح ماموریت امین الدوله را در مجموعه گزارش های خود با نام ” مخزن الوقایع “^۷ مدون ساخته و در طی آن به پدیده های نوظهور فنی و صنعتی غرب توجه خاص نشان داده به پدیده نوظهور عکاسی و جریان استخدام عکاس که از وظایف محوله به آن هئیت بوده اشاره ای نکرده است . تنها اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان و در ادامه وقایع مربوط به سال ۱۲۸۰ هجری قمری ، به استخدام کارلیان توسط فرخ خان امین الدوله اشاره کرده است :

” . . . مسیو کارلیان که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ خان امین الدوله از پاریس به طهران آمد ، عکس کلدیون را شایع کرد . . . “^۸

^۵ - در بعضی مستندات فارسی دوره قاجار از وی با نام کارلیون یاد شده است .

^۶ - از دیرباز در ایران رسم بر آن بود که هنگام اعزام هیاتهای مهم رسمی بک نفر وقایع نگار نیز هئیت را همراهی کند و به ثبت رویدادها بپردازد تا اولیاء امور در جریان جزئیات اقدامات قرار بگیرند . به نوشته وی اعضاء این هئیت اعزامی به اروپا در عکاسخانه های پاریس عکس هایی با هم گرفته اند و تعدادی از این عکس ها در کتاب مخزن الوقایع به چاپ رسیده است .

^۷ - سرابی ، میرزا حسن : مخزن الوقایع ، شرح ماموریت و مسافرت فرخ خان امین الدوله ، به کوشش اصفهانیان - روشنی زعفرانلو ، تهران ، ۱۳۴۴ .

^۸ - مرآت البلدان ، ص ۱۴۴۸ .

با ورود کارلیان به ایران ناصرالدین شاه توانست عکاسی را فرا بگیرد. سپس آقا رضا عکاسباشی نیز نزد کارلیان به آموختن عکاسی پرداخت و این سرآغازی بود بر آموزش علم عکاسی در ایران و در پی آن تدریس عکاسی در دارالفنون .

اعتمادالسلطنه در ادامه به ذکر اتفاقاتی که در زمینه عکاسی در ایران رخ داده پرداخته است، از آنجا که نویسنده در زمان نگارش (سال ۱۲۸۰) به سابقه عکاسی از آغاز تا آن زمان (سال ۱۲۸۰) پرداخته است و از این سال به عنوان سال اعطاء لقب " عکاسباشی " به آقا رضا یاد می کند، این نکته متبادر به ذهن می شود که ورود کارلیان به ایران قبل از سال ۱۲۸۰ بوده و نویسنده در واقع هیچ اشاره مستقیمی به زمان ورود کارلیان در آن سال به ایران نکرده است .

درباره حضور کارلیان در ایران، در چند سند تاریخی دیگر مانند "منتخب التواریخ"^۹ و " کتاب عکس" تالیف میرزا محمد کاظم محلاتی اشاره هائی کوتاه شده که غالباً خالی از اشتباه نیست. اما سند معتبری در دست است که نشان می دهد کارلیان در این سفر تنها نبوده بلکه همسرش که او هم به عکاسی می پرداخته در این سفر با او همراه بوده است، نکته دیگری که از این سند استنباط می شود این است که بر خلاف نوشته مورخان قاجاری و نویسندگان معاصر به پیروی از آن مورخان، کارلیان همراه با فرخ خان امین الدوله به ایران نیامده و چندی بعد از وی در ماه دسامبر سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۷۷ هجری قمری) وارد ایران شده است . این دو نکته در مورد حضور خانم کارلیان در ایران و تاریخ ورود آنها، از سفرنامه دکتر هینریش بروگش که در شرح سفر خود به ایران نگاشته برگرفته شده است .

هینریش بروگش (۱۸۹۴-۱۸۲۷ میلادی) از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۱ میلادی (۱۲۷۷ - ۱۲۷۹ هجری قمری) به عنوان سفیر دولت پروس (آلمان)^{۱۰} در ایران بسر برد و حاصل این اقامت دو ساله سفرنامه سودمندی است با نام :

" Reise der K. Preussischen Gestadtschaft nach Persie "^{۱۱}

^۹ - شیبانی ، میرزا ابراهیم (صدیق الممالک) : منتخب التواریخ ، انتشارات علمی ، تهران ، بی تا ، ص ۲۲ .

^{۱۰} در آن زمان دولت آلمان متشکل از پادشاهی پروس و چند ایالت شاهزاده نشین بوده است .

^{۱۱} -H. C. Brugsch (1827 -1894) : Reise der K. Preussischen Gertadtschaft nach Persien 1800 und 1801/ 2 Bde , Leipzig 1862 .

این سفرنامه توسط آقای کر دبچه با نام " سفری به دربار سلطان صاحبقران " به فارسی برگردانده شده و توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است . ضمناً بروگش در سفر دوم خود به ایران در سال ۱۸۸۶

دکتر هینریش بروگش استاد دانشگاه و شرق شناس نامدار، که بیشتر به تحقیق و تفحص درباره مصر می پرداخت، معاونت موزه مصر در برلین را نیز عهده دار بود. وی که نخستین کتاب خود را درباره الواح مصری در سنین نوجوانی نوشت به مقام استادی دانشگاه های گوتینگن، برلین، و سرپرستی موسسه مصرشناسی قاهره رسید. وی به تالیف فرهنگی درباره زبانهای مصری پرداخته و تحقیقات مختلفی در زمینه های مختلف مصرشناسی دارد.

دکتر بروگش به عنوان رایزن و قائم مقام سفیر به همراه هیئتی از طرف دولت پروس در سال ۱۸۵۹ به منظور برقراری روابط بازرگانی و تجاری میان دو کشور به ایران اعزام شد. یک سال بعد از ورود این هیئت به ایران بارون مینوتولی رئیس هیئت نمایندگی و نخستین سفیر دولت پروس در ایران بر اثر ابتلا به بیماری در شیراز درگذشت و دکتر بروگش به جای وی و در حدود پنج ماه عهده دار منصب سفارت شد. وی بارها با ناصرالدین شاه، رجال و شخصیت های عالی مقام ایرانی دیدار و گفتگو داشت و به بیشتر شهرهای ایران سفر کرده است.

از آنجا که دکتر بروگش یک مستشرق بود از دیدگاهی متفاوت با نگرش نمایندگان تجاری یا سیاسی به ایران نگرینست و با مطالعه در احوال اجتماعی، فرهنگی ایران به یادداشت برداری از آنچه که در پیرامون او می گذشت پرداخت. این یادداشت ها پس از بازگشت وی به کشورش در سال ۱۸۶۱ به صورت کتابی درآمد که خود او در مقدمه آن آورده است که این کتاب حاصل مسافرت یک هیئت سیاسی و اعضای یک سفارت است که رسماً از طرف دولت پروس به ایران اعزام شده و در ادامه می نویسد که شرح کامل مسافرت و خاطرات خود را به منظور تحقق بخشیدن به آرمان بارون مینوتولی در مورد به تحریر درآوردن شرح سفر به ایران، به رشته تحریر درآورده و در این مسیر بیشتر به اوضاع اجتماعی و اقتصادی و دیدنیهای ایران پرداخته است زیرا برای دکتر بروگش به نوشته خود او " دیدنیهای ایران و وضع اجتماعی و اقتصادی آن ایران به مراتب جالبتر از مسائل سیاسی است " ۱۲.

میلادی (۱۳۰۳ هجری قمری) نیز سفرنامه ای با عنوان " Im Lande der Sonne " (در سرزمین آفتاب) نگاشته که با همة اختصار حاوی اطلاعات ارزنده ای درباره اوضاع اجتماعی و فرهنگ و هنر دوران است .

۱۲ - بروگش ، هینریش : سفری به دربار سلطان صاحبقران ، ترجمه مهندس کرد بچه ، ۲ ج ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۶۷ ، ج ۲ ، ص ۴ .

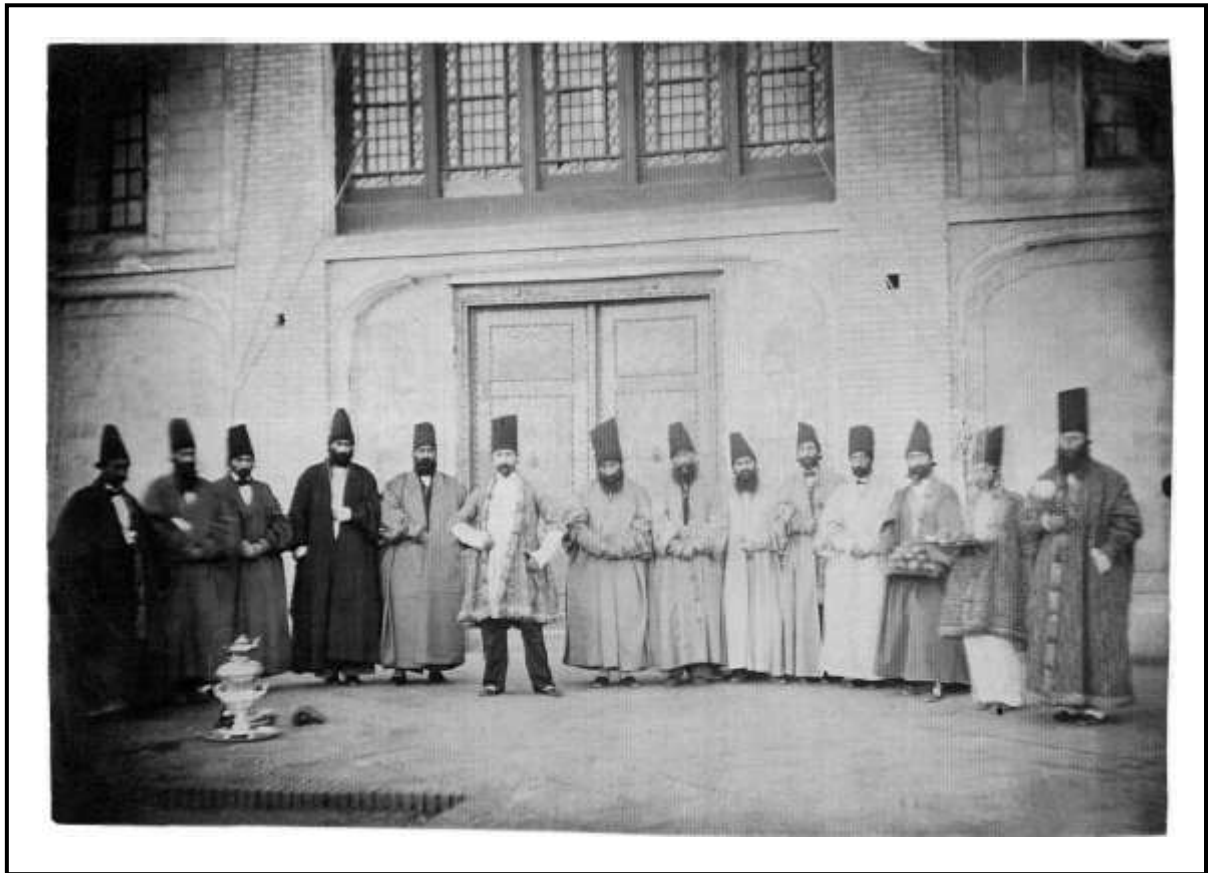
دکتر بروگش در سفرنامه خود در درباره حضور فرانسویس کارلیان در ایران می نویسد (با توجه به اهمیت مطلب، برای اطمینان متن فارسی با متن اصلی سفرنامه به زبان آلمانی مقابله و مقایسه شده است):

” از حوادث جالب ماه دسامبر (۱۸۶۰ میلادی) در تهران این بود که ناصرالدین شاه دو نفر عکاس اروپائی را با خرج خود برای عکسبرداری به تهران آورده بود و چند روز قبل یکی از این عکاسان به نام **خانم کارلیون** يك عکس دسته جمعی از ناصرالدین شاه در وسط وزیران کابینه برداشت. دوازده وزیر کابینه از افتخار بزرگی که نصیبشان شده بود، آنقدر خوشحال شدند که هر يك ده تومان به خانم عکاس پاداش دادند . “^{۱۴} و ۱۳

به حضور پر اهمیت يك خانم عکاس فرنگی در ایران در حدود سالهای ۱۲۷۷ هجری قمری (۱۸۶۰ میلادی) که به طور حتم نخستین زنی است که در ایران به عکاسی پرداخته در هیچ سند دیگری اشاره نشده و نیز مورد توجه نویسندگان و علاقمندان تاریخ عکاسی ایران قرار نگرفته است و در حقیقت این حضور از صفحات تاریخ عکاسی ایران محو شده است . تصویر زیر عکسی است که هینریش بروگش از آن سخن به میان آورده و عکاس آن خانم کارلیان است و شاه جوان در میان گروهی از رجال و وزراء ایستاده است . کمتر چنین اتفاقی افتاده که عکسی تاریخی دارای سندی چنین معتبر باشد .

^{۱۳} همان . ص ۵۵۶ . متن آلمانی : Mrs Carlion (II , S 291)

^{۱۴} البته این احتمال بعید هم متبادر به ذهن می شود که تاریخ دقیق ورود کارلیان ها دقیقاً مقارن با دیدار دکتر بروگش با آنان در دسامبر ۱۸۶۰ نباشد .



افراد حاضر در عکس از راست به چپ :

علی خان حاجب الدوله (پدر محمد حسن خان اعتماد السلطنه) - مشکوه الملك - دوستعلیخان معیرالممالک -
 حسام الملك - فیروز میرزا نصرت الدوله - غلامحسین خان سپهدار - میرزا یوسف مستوفی الممالک -
 عباسعلیخان معتمدالدوله - ناصرالدین شاه - میرزا محمد سپهسالار - فرخ خان امین الدوله - محمود خان ناصر
 الملك - دو نفر آخر شناخته نشدند . طبق نوشته دکتر بروگش عکس در دسامبر سال ۱۸۶۰ میلادی برداشته
 شده است .

بروگش در ادامه سخن خود به نقل خاطره ای از حضور آقای کارلیان در دربار ناصرالدین
 شاه پرداخته که تلویحاً حاکی از این نکته است که خانم کارلیان در کار عکاسی موفق تر از
 همسرش آقای کارلیان بوده :

” . . . روزی او (ناصرالدین شاه) عکاس فرانسوی مخصوص خود را احضار کرد تا با دوربین عکاسی خود از پلنگی که در حیاط قصر سلطنتی رها شده بود و آزادانه گردش می کرد عکس بردارد، عکاس بیچاره با ترس و لرز، دوربین خود را روی سه پایه به طرف پلنگ میزان کرد ولی تا آمد عکس بگیرد ، حیوان درنده که از دیدن دوربین تعجب کرده بود، به طرف آن حمله ور شد محافظان از اطراف ریخته و پلنگ را گرفتند ولی عکاس که از وحشت فرار کرده بود نتوانست از پلنگ عکس بگیرد این موضوع موجب خشم شاه شد و دستور داد تا مرغی را بکشند و بیاورند جلوی پلنگ بگذارند که وقتی پلنگ طعمه را می خورد، عکاس عکس او را بگیرد ولی این کار هم بدون نتیجه ماند زیرا با غرش پلنگ بار دیگر عکاس فرار کرد و از آن حیوان عکسی نگرفت. ناصرالدین شاه عصبانی شده بود و مرتب فریاد می زد: این مرد . . . برای چه از ما پول می گیرد ، او که از يك پلنگ هم نمی تواند عکس بگیرد!“

۱۵

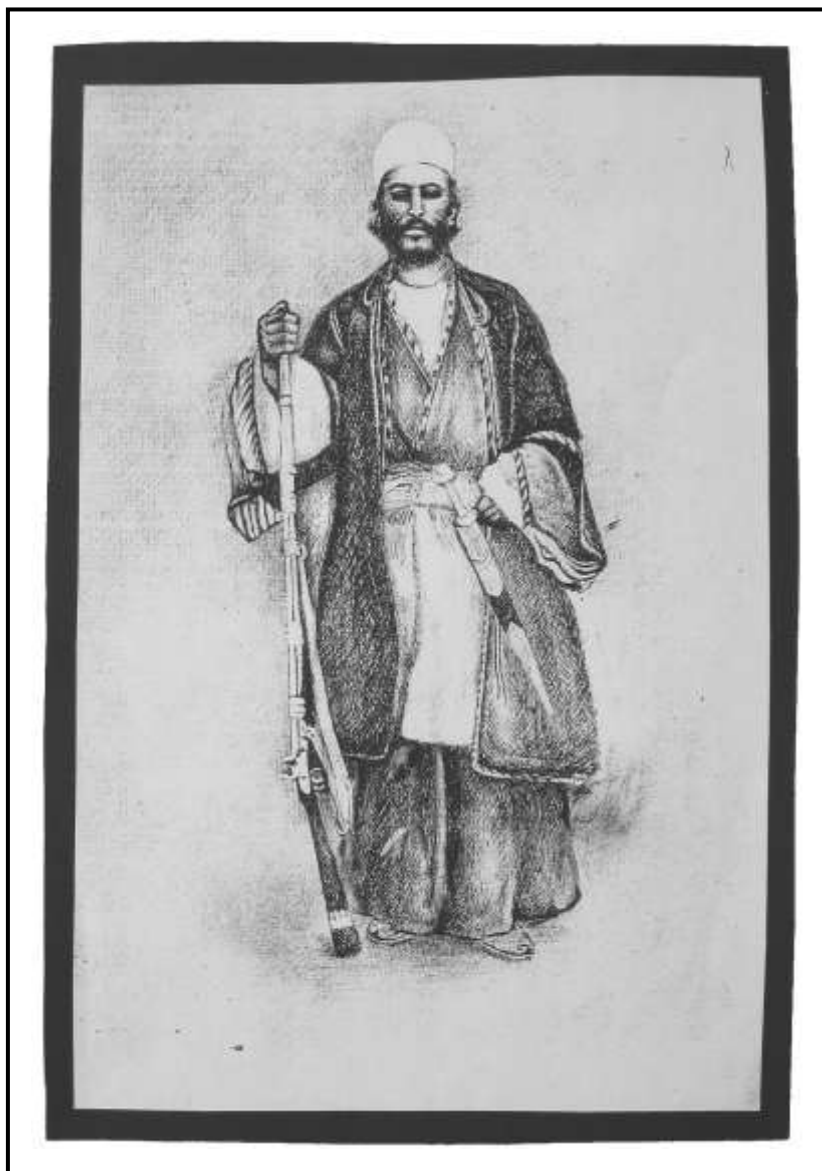
تصویر زیر نیز که در مجموعه معیر الممالک بوده عکس ناصرالدین شاه در جوانی است و از جمله عکس هائی است که مادام کارلیان در دربار ایران برداشته است .



۱۵ - همان ، ص ۵۵۶ .

از خانم کارلیان تعداد دیگری عکس که از شاه و رجال مملکت برداشته، باقیست و از آن جمله عکسی است که " مادام فرنگی عکاسه مخصوص " به دستور ناصرالدین شاه از حسینقلی خان ایلخانی - رئیس ایل بختیاری - در تهران برداشته است . معدود نسخه های قدیمی این عکس بدون یادداشت توضیحی است ولی در پشت نقاشی سیاه قلمی که سال ها بعد از تهیه عکس از روی يك نسخه از آن ترسیم شده و در کتاب تاریخ بختیاری تألیف علیقلی خان سردار اسد - فرزند ایلخانی - به چاپ رسیده ، آمده است :

" در اسفار اولیه مرحوم حسینقلی خان به طهران که هنوز اعطاء لقب و منصب " ایلخانی " به رؤسا ایلات بزرگ مرسوم نشده حسینقلی خان عنوان ناظم بختیاری و مضافات داشت . بنابر میل و علاقه وافر ناصرالدین شاه مرحوم به نگهداری عکس رجال دولت و اشخاص لایق و معتبر مملکت به دستور شاه مادام فرنگی عکاسه مخصوص شیشه عکس حسینقلی خان را برداشت و از طرف خان هم به دستلاف و پیشکش لایق نائل آمد . این مطلب از علی اکبر خان صدری که جزو ملازمان ایلخانی در آن سفر بوده و خودش در یکی از عکسها هم حضور دارد استماع شد . حالیه چون نسخه اصلی عکس مزبور بنابر طبیعت و قانون این صناعت به مرور زمان رنگ پریده و نا واضح شده و به تدریج از جلوه می افتد به مباشرت . . . [ناخوانا] توسط نقاش فرنگی از نسخه عکس سیاه قلم شد تا محفوظ بماند . الحق و الانصاف در غایت شباهت بوده به تصدیق خبره . نقاش به قاعده و به نحو احسن اهتمام صنعت و عرضه هنر بنموده است ."



تصویر سیاه قلمی که از عکس حسینقلی خان ایلخانی کپی برداری شده است .

به طور حتم مادام کارلیان در طی دوران اقامتش در ایران به عکاسی می پرداخته، این احتمال وجود دارد که تعدادی از عکس های او در بین تصاویری که از زنان دربار و محیط اندرون ناصرالدین شاه برداشته شده و آنها را به عکاس های مختلف از جمله موجول خان نسبت می دهند قرار گرفته باشد چرا که کیفیت بعضی از این عکس ها در حدیست که ثبت آنها با توجه به ساز و کار پیچیده عکاسی در آن دوران از يك عکاس غیرحرفه ای دور از ذهن به نظر می رسد .

امکان وجود عکس های ثبت شده توسط خانم کارلیان در ایران در بین عکس هایی که به نام فرانسس کارلیان معرفی می شوند نیز بسیار قویست تصاویری که در حال حاضر در ایران و فرانسه پراکنده اند و شاید با بررسی های دقیق تر بتوان کارهای این دو عکاس را با توجه به سبک و نگاه عکاسانه آن ها از هم تفکیک کرد. مهم تر آنکه سهم شایسته خانم کارلیان در تاریخ عکاسی ایران نکته ایست که نباید از نظر دور داشت .